وقتی واکنش مثبت مردم به یک سریال تحسین خانواده شهدای مدافع حرم را برمی‌انگیزد

«پایتخت» در پایتخت تکرار می‌شد اگر مدافعان حرم نبودند

صغری خیل فرهنگ

پخش سریال «پایتخت پنج» و اکران فیلم «به وقت شام» هرچند کمی دیر، اما بالاخره پای هنر هفتم را به کمک حقایق نهفته در جبهه مقاومت اسلامی کشاند. خصوصاً سریال نوروزی پایتخت که از رسانه ملی پخش شد، مخاطبان بسیاری را به خود جلب کرد و بازتاب‌های زیادی در فضای مجازی و حقیقی داشت. در این میان واکنش خانواده شهدای مدافع حرم که معرکه جنگی را که منجر به شهادت عزیزان‌شان شده بود، در قاب تلویزیون می‌دیدند می‌تواند جالب باشد. پیام‌های همسران شهدا برای سازندگان این سریال پرمخاطب تلویزیونی بهانه‌ای شد تا سراغ تعدادی از خانواده شهدای مدافع حرم برویم و از حس و حالشان از پخش این سریال پرس و جو کنیم. همسران شهیدان علیرضا بریری، امیر سیاوشی، سیدعیسی حسینی، علیرضا جیلان، عبدالرحیم فیروزآبادی، وحید فرهنگی‌والا، ابراهیم صدرزاده، عبدالرحیم رشوند، اکبر ملک‌شاهی، حامد بافنده و خواهر شهیدان محمود مراد اسکندری و بابک نوری هریس در گفت‌وگو با ما مطالبی را مطرح کردند که خواندنی است.

کوثر پوررمضان
همسر شهید علیرضا بریری

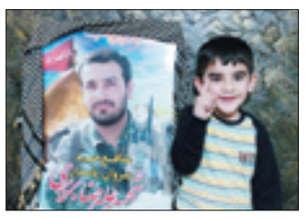

شهید علیرضا بریری ۱۷ اردیبهشت ۹۵ در خان‌طومان در زمان نقض آتش‌بس توسط تروریست‌های امریکایی به شهادت رسید و پیکر وی که صاحب پسری به نام محمد امین است، بازنگشت.

صحنه‌ای که کودک سوری پیکر پدرش را می‌کشید، برای محمدامین سخت بود

سریال پایتخت به عنوان یک سریال طنز اجتماعی توانست مسائلی که خیلی‌ها حتی به آن فکر هم نمی‌کردند را نشان دهد. این سریال سر سوزنی از دریای فداکاری‌ها و آنچه مدافعان حرم در جبهه مقاومت برایش از همه تعلقات دنیایی‌شان گذشتند را به نمایش درآورد. رزمندگان مقاومت از کیلومترها دورتر به فاصله نه چند شهر و نه چند استان، بلکه با فاصله چند کشور در بیرون از مرزها در حال جنگ هستند تا مردم کشورمان حتی خواب چنین صحنه‌ها و لحظه‌های تلخی را نبینند. می‌دانم که صحنه‌های به نمایش گذاشته شده در سریال پایتخت برای خیلی‌ها غیرواقعی بود اما این تصاویر در قالب طنز ذره‌ای از ترس، وحشت، ناامنی و فضای رعب‌انگیز حاکم در سوریه را نشان داد اما چه بسا هستند کسانی که هنوز هم می‌گویند اینها همه‌اش فیلم است اما این فیلمی است که برای مسلمانان سوریه و عراق واقعی شد! حس واقعی این ماجرا را شاید پسر من خوب درک کرده باشد. در فاصله چند روز مانده به چهارسالگی‌اش، صحنه‌ای را در فیلم پایتخت به نظاره می‌نشیند که کودکی سوری پیکر بی‌جان و غرق درخون پدر را به عقب می‌کشید تا پیکر را همراه خود برگرداند تا مانند فرزند من سال‌ها چشم‌انتظار آمدن اثر و نشانی از پدر شهیدش نماند. دیدن این صحنه برای محمدامین سخت بود. پیکر همسرم دو سالی می‌شود که در خان‌طومان سوریه آرمیده است. حتی مزاری نیست تا به وقت دلتنگی به آن پناه ببریم. در آخرین شب پخش سریال پایتخت پسرم از من پرسید مگر پدر من نرفت پیش خانم زینب (س) پس چرا به خانه برنمی‌گردد؟

مریم مراد اسکندری
خواهر شهید محمود مراد اسکندری
شهید محمود مراد اسکندری در ۱۲ بهمن ۹۴ در نبل و الزهرا در روند اجرای عملیات نصر به شهادت رسید.

برادر شهیدم را در قاب شیشه‌ای تلویزیون کنار خانواده معمولی می‌دیدم

سکانس گیر افتادن خانواده معمولی به دست داعشی‌ها، پر از سوختن بود؛ پر از درد و داغ. انگار که در کنار ترس‌شان، یک محمود مراداسکندری را می‌دیدی که به آنها دلداری می‌دهد و می‌گوید ما هستیم نترسید. من خودم خواهر دارم و اجازه نمی‌دهم داعشی‌های حرامزاده نگاه چپ به خانواده‌تان کنند. در تمام آن لحظات برادر شهیدم را درقاب شیشه‌ای تلویزیون کنار خانواده نقی می‌دیدم و به خاطر غیرت و مردانگی‌اش و دفاع از ارزش‌ها به خود می‌بالیدم. سکانس‌های سختی را در سریال پایتخت دیدم اما تـه دلم قرص بود که محمود و محمودهای مدافع حرم اجازه نمی‌دهند از این دست اتفاق‌ها برای ما بیفتد. آنها اجازه نمی‌دهند کسی نگاه چپ به ناموسشان کند و اجازه نخواهند داد چشم حرامی به دختر ایرانی بیفتد و دخترانمان را «حوری بهشتی» خطاب کنند. آخر داستان پایتخت ختم به خیر شد. اشک‌هایمان سرازیر شد و گفتیم ای کاش قصه ما و برادرم محمود همین‌طور می‌شد. ای کاش مردم قدر شیر بچه‌های مدافع حرم را بدانند. دو سالی از شهادت برادرم می‌گذرد اما فراق و دلتنگی‌اش هر روز سخت‌تر از دیروز می‌شود تا جایی که ما هنوز نتوانسته‌ایم رنگ لباس مشکی‌مان را عوض کنیم.

بی برادر مرغ بی‌بال و پر است
یک برادر بهتر از صد لشکر است

ام‌البنین حسینی
همسر شهید سیدعیسی حسینی

شهید سیدعیسی حسینی در ۱۰ مهر ۹۳ مصادف با شب شهادت امام محمدباقر (ع) در حماه سوریه به شهادت رسید.

تصاویر بهتر می‌توانند واقعیت‌های جبهه مقاومت را نشان بدهند

خیلی سخت بود. آن قسمتی که داعش زن و بچه‌ها را به اسارت گرفت، فقط گریه می‌کردم. احساس می‌کردم آن لحظات را همسرم درک کرده است. این سریال به همه نشان داده و فهمانده شده که رزمندگان مدافع حرم چرا باید برای دفاع از اسلام راهی سوریه و عراق شوند. دخترم فاطمه با دیدن بخش‌های پایانی پایتخت به یک‌سری از واقعیت‌ها پی برد. فاطمه پدرش را خیلی دوست داشت آن‌قدر که می‌دانست راه و تصمیمی که پدرش گرفته صراط مستقیم و درستی بوده است. دیدن چنین فیلم‌ها و سریال‌هایی برای آنانی که همیشه طعنه می‌زدند که شهدای مدافع حرم برای مادیات و پول می‌روند، لازم است.

الهام نوری هریس
خواهر شهید بابک نوری هریس
شهید بابک نوری در ۲ آذر ۹۶ در بوکمال به شهادت رسید.

مدافعان حرم رفتند تا کسی دختران ایرانی را حوری نخواند

همان‌طور که می‌دانید شهدای مدافع حرم به واقع مظلوم هستند. با پخش دو قسمت آخر سریال پایتخت، عوامل فیلم توانستند بخشی از افکار عمومی را با مدافعان حرم همراه کنند. در آن بخش از سریال که دختران ایرانی را حوری خطاب کردند و به دوستان داعشی‌شان گفتند بیایید اینجا بهشت است، سخت گذشت. ترس و اضطراب نقی در فیلم، همه و همه نشان‌دهنده بخشی از اتفاقاتی بود که اگر مدافعان حرم نبودند امکان داشت برای من و امثال من رخ دهد. مدافعان حرم رفتند تا کسی دختران ایرانی را حوری نخواند. اینجا بود که به واقع به فداکاری و ایثار مدافعان حرم پی می‌بریم.

کوثرالسادات افضلی
همسر شهید علیرضا جیلان

شهید علیرضا جیلان ۲۸ آبان ۹۶ در بوکمال به شهادت رسید.

ای کاش در سکانس‌های آخر پایتخت، شاهد حضور مدافعان حرم بودیم

سریال پایتخت حال و هوای دلمان را ابری کرد. من و پسرم امیرعلی این شرایط را درک کرده‌ایم. عده‌ای بودند که مدافعان و جبهه مقاومت را درک نمی‌کردند و با طعنه‌هایشان دلمان را می‌سوزاندند اما یک نقد دوستانه هم به عوامل سازنده سریال دارم. کاش در سکانس‌های آخر فیلم، مدافعان حرم هم حضور داشتند. خیلی چشم‌انتظار بودیم که از راه برسند. اینکه سه مرد عادی و معمولی که آموزش‌های نظامی خاصی را هم نگذرانده بودند توانستند داعش را شکست بدهند، این معنا را منتقل می‌کرد که داعشی‌ها ضعیف هستند اما این درست نیست. داعش ضعیف نیست. اتفاقاً با توان بالایی هم وارد میدان شده است، اما توان نیروهای جبهه مقاومت وامدار ایمان و اراده‌ای است که توانست آنها را در دنیای واقعی شکست دهد ولی همین حد هم عالی بود و خداقوت دارد. پسرم امیرعلی غرق فیلم بود و می‌گفت پدر من هم آدم‌های بد مثل اینها را کشته و خودش هم شهید شده است.

سمیه یل هیکل‌آباد
همسر شهید وحید فرهنگی والا
شهید وحید فرهنگی والا در ۱۵ آبان ۹۶ در بوکمال سوریه به شهادت رسید.

پایتخت با زبان طنز واقعیت‌های تلخ جبهه مقاومت را به تصویر کشید

این چند روز خدا می‌داند چه بغضی داشتم اما هر طوری بود جلوی اشک‌هایم را می‌گرفتم که کسی نداند با دیدن این تصاویر در دلم چه می‌گذرد. خدا به داد فرزندان شهدا برسد، خدا می‌داند چه کشیدند در آن لحظات که آن پسر سوری پیکر پدر را می‌کشید و نتوانست از او دل بکند.

این سریال نشان داد که چقدر یک رسانه می‌تواند تأثیرگذار باشد. سریال پایتخت با زبان طنز واقعیت‌های تلخ جبهه مقاومت را به تصویر کشید.

این سریال یا فیلمی مثل «به وقت شام» توانستند جزئی از آن مشکلات و مصیبت‌هایی که نسبت به مردم سوریه می‌گذرد را به تصویر بکشند.

معصومه گلدوست
همسر شهید عبدالرحیم فیروزآبادی

شهید عبدالرحیم فیروزآبادی در تیر ماه ۹۴ در منطقه الحاضر حلب به شهادت رسید.

خدا خدا می‌کردم همه ایران سریال پایتخت را ببینند

در تمام مدتی که سکانس‌های حضور خانواده نقی را در سوریه می‌دیدم به یاد همسرم بودم. با خودم می‌گفتم چه شجاعتی داشتند، دخترم فاطمه می‌ترسید و بغض می‌کرد و آن یکی بااخم به فیلم نگاه می‌کرد.

دیدن آن لحظه که پسربچه سوری «محمد» ماند تا پیکر پدر را با خود ببرد برای فرزندانم سخت گذشت. آن صحنه‌ها را با دقت نگاه می‌کردند و چشم‌های خیس من هم روی نگاه فرزندانم گره خورده بود و با خودم می‌گفتم خدایا دردل آنها چه می‌گذرد؟ نگاه‌هایشان پر از حرف بود، پر از غصه. با خود می‌گفتم کاش این لحظات را نبینند.

یاد شهدا افتادم. یاد شهید حججی برایم زنده شد. شجاعت بی‌مثالشان برایم تداعی شد. دمشان گرم، عالی تمام کردند. دائم خدا خدا می‌کردم همه ایران سریال پایتخت را ببینند. سکانسی که داعشی‌ها زن و بچه‌ها را به اسارت گرفتند، دخترم ترسیده بود. با دلهره به من گفت مامان اگر بابا رحیم من آنجا بود، یک کمی جا می‌خورد و بعد به طرف داعشی‌ها شلیک می‌کرد تا زن و بچه‌ها را نجات بدهد. می‌گفت خدا داعشی‌ها را لعنت کند. دلم برای خانم‌ها سوخت. دلم برای بابا رحیم سوخت. من در جمع خانواده‌ام این سریال را نگاه کردم. همه به یاد شهدای مدافع حرم و شهیدمان عبدالرحیم افتاده بودند. نفس‌ها در سینه‌ها حبس شده بود. همه بغض داشتند اما پیش من و بچه‌ها خودشان را کنترل می‌کردند.

ابراهیم‌پور
همسر شهید ابراهیم صدرزاده

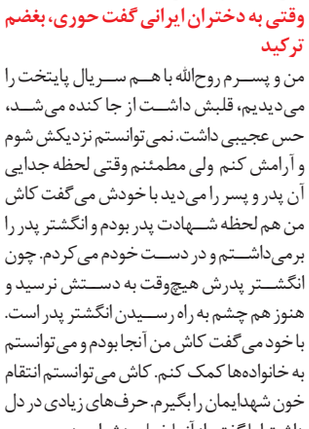

شهید ابراهیم صدرزاده در ظهر تاسوعا اول آبان ۹۴ در حلب به شهادت رسید.

دو قسمت آخر پایتخت، عالی بود

دخترم فاطمه این سریال را کامل نگاه می‌کرد. من چون استرس زیاد اذیتم می‌کند نگاه نکردم. دو قسمت آخری پایتخت عالی بود دست‌های فاطمه یخ کرده بود. بعد که تمام شد گفت مامان خیلی ترس داشت بابامصطفی چقدر شجاع بود که در سوریه با آنها جنگیده است.

آذر رشوند آوه
همسر شهید عبدالرشید رشوند
شهید عبدالرشید رشوند در تاریخ ششم آذر ۹۴ به شهادت رسید.

وقتی به دختران ایرانی گفت حوری، بغضم ترکید

من و پسرم روح‌الله با هم سریال پایتخت را می‌دیدیم، قلبش داشت از جا کنده می‌شد، حس عجیبی داشت. نمی‌توانستم نزدیکش شوم و آرامش کنم ولی مطمئنم وقتی لحظه جدایی آن پدر و پسر را می‌دید با خودش می‌گفت کاش من هم لحظه شهادت پدر بودم و انگشتر پدر را برمی‌داشتم و در دست خودم می‌کردم. چون انگشتر پدرش هیچ‌وقت به دستش نرسید و هنوز هم چشم به راه رسیدن انگشتر پدر است. با خود می‌گفت کاش من آنجا بودم و می‌توانستم به خانواده‌ها کمک کنم. کاش می‌توانستم انتقام خون شهدایمان را بگیرم. حرف‌های زیادی در دل داشت اما گفتن از آنها خیلی دشوار بود.

وقتی آن داعشی ملعون دو خواهر سریال را حوری خطاب کرد، بغضم ترکید و پتویی به سر کشیده و آرام آرام گریه کردم که روح‌الله متوجه نشود. تمام آن مدتی که سکانس‌های مربوط به سوریه را نشان می‌داد نتوانستم بخوابم. سریال پایتخت بخش کوچکی از اتفاقات جبهه مقاومت را به تصویر کشید و توانست حال و هوای مردم را با خانواده شهدا و رزمندگان مقاومت همسو کند. جای این‌طور کارهای هنری و فرهنگی خالی است. باید بیشتر ساخته شوند. کاش ماحصلش این بشود که مردم به چرایی حضور مدافعان حرم پی ببرند.

ریحانه قرقانی همسر شهید امیر سیاوشی
امیر سیاوشی در آذر ۹۴ در حلب سوریه همزمان با شب شهادت امام حسن عسگری(ع) به شهادت رسید.

عشق بین نقی و هما برایم آشناست

به نظر من این سریال تا حدودی توانست گوشه‌ای از آنچه بر مردم مسلمان سوریه می‌گذرد را به تصویر بکشد. شاید مخاطبان سریال با دیدن این چکیده اتفاقات و گذاشتن خودشان جای مردم مظلوم سوریه بفهمند چقدر سخت و دشوار است دیدن شهرهای سوخته و تخریب‌شده شهری که در آن بزرگ شده و قد کشیده‌اند!

مردم خودشان را جای نقی و هما و دیگر شخصیت‌های سریال گذاشتند و منقلب شدند. اینکه به یکباره یک داعشی بالای سرشان حضور پیدا کند رعب‌آور است. شاید برای یک بار هم که شده از خودشان بپرسند در آن موقعیت آیا می‌توانستند خودشان را نجات بدهند یا خیر؟

شاید لحظه‌ای فرزندشان را جای محمد آن نوجوان سوری تصور کنند و عمق نگاه و خشم یک پسر بچه که به جای بازی در کوچه‌ها مجبور است کشته شدن پدرش را به نظاره بنشیند و شهدا را درک کنند. شاید با دیدن لحظاتی از عشق و علاقه هما و نقی معمولی، درک کنند حسرت همسران شهدا را از اینکه در لحظات شیرین وصال یار به معبود کنار هم نبودند و دیدار مجددشان موکول به رجعت امام زمان (عج) یا روز قیامت شد. عشق بین آن دو برایم آشناست.

شاید کمی تأمل کنند. حق دست‌یافتنی است اگر خواهان آن باشیم اما مدافعان حرم چه روزها و شب‌هایی را گذراندند و فقط با قدرت توکل به خدا و حضرت زینب(س) و عشق و دلدادگی به این بزرگواران ایستادگی کردند.

ساره یعقوبی رفسنجانی
همسر شهید حامد بافنده

شهید حامد بافنده از شهدای مدافع حرم کرمان است که در سوم اردیبهشت ۹۶ در حماه به شهادت رسید.

اگر مدافعان حرم نبودند...

من پیش از این جنگ را در جبهه فرهنگی برای تبیین افکار عمومی آغاز کردم. در اینستا یک خانم حرف‌های خیلی سنگینی به من زد ولی خیلی خوشحالم که کارهای فرهنگی مثل پایتخت یا به وقت شام، توانست ترس از داعش و تروریست‌ها را ملموس کند و دلهره و لرزیدن از دست‌درازی به ناموس را در وجود مردم بیندازد که اگر مدافعان حرم نبودند ما هم اسیر دست این بی‌ناموس‌ها می‌شدیم.

زهرا دلیلی
همسر شهید اکبر ملک‌شاهی
شهید ملک‌شاهی در ۲۸ آذر ۹۴ در حمص به شهادت رسید.

پسرم می‌گفت ایرانی‌ها وقتی ناموس‌شان در خطر باشد مثل شیر می‌شوند

فردای پخش آخرین قسمت سریال پسرم با غرور خاصی از مدرسه آمد و گفت دیشب دوستانم سریال پایتخت را دیده و گفته بودند که ما از تلویزیون دیدیم و از ترس به زمین میخکوب شدیم، پدرت چه دل شیری داشته است که جرئت رویارویی با داعش را پیدا کرده. چطور داوطلبانه به میدان نبرد و خطر رفت؟

پسرم با دیدن صحنه‌های دو قسمت آخر سریال می‌گفت مادر ایرانی‌ها هرجوری و با هر تربیتی که باشند وقتی ناموس‌شان به خطر بیفتد مثل شیر درنده می‌شوند، حالا اگر این ناموس‌پرستی با ایمان و اراده الهی همراه شود و خدایی باشد می‌شوند مانند پدرم که اصلاً چیزی به عنوان ترس برایش معنا نداشت.

شهدای مدافع حرم با ایمان و اراده به اسلام برای دفاع از ناموس و حریم آل الله راهی شدند و ترسی به دل راه نمی‌دادند چون الگویشان امیرالمؤمنین حیدر کرار است.

طراح: علیرضا سجادی‌فر ■ شماره ۵۳۴۹

از راست به چپ

۱- میانه‌روی- دورنما ■ ۲- قطعه موسیقی برای یک یا دو نوازنده- بالش مبل- قلوه ■ ۳- لاستیک خودرو- تونس سابق- خاندان ■ ۴- دریا- فلز ساختمانی- بخار دهان- داماد ■ ۵- شهری در استان فارس- نام قدیم خمین- رمق آخر ■ ۶- سلاح ترکیدنی- اهرم- وسیله‌ای در مطبخ ■ ۷- از شاعران و دانشمندان ایرانی سده ششم قمری در دوران سلجوقیان است- نخستین- واحد مقیاس فشار الکتریسیته ■ ۸- خروس جنگی- نخستین زن رئیس جمهور در آسیا (رئیس جمهور اسبق فیلیپین)- واحد پول ایران در عهد قاجاریه و اوایل پهلوی ■ ۹- میزبان المپیک ۲۰۰۴- نواختن همزمان چند نت با هم- غذای ساده ■ ۱۰- جهان- کفش لاستیکی- پول دو کره ■ ۱۱- خرس آسمانی- خدمتکار پیر- گواه صادق و از نام‌های خدا ■ ۱۲- تربیتش چون گردکان برگنبد است- ظرف شیشه‌ای بزرگ- رنگ آرامش- حرف انتخاب ■ ۱۳- راز- سومین دبیرکل سازمان ملل از میانمار- اثر زخم ■ ۱۴- رهبر حزبی- خلق و خو- حاجت و نیاز ■ ۱۵- عزرائیل- نویسنده روس کتاب دختر سروان

از بالا به پایین

۱- کنایه از آماده شدن برای اقدام به کاری یا حل مشکلی است- تکیه بر پشتی ■ ۲- مجلسی در انگلیس- بت جاهلی که خدای سرنوشت و مرگ بود- باکتری میله شکل ■ ۳- نوعی برادر و خواهر- رونق وجلا- از ماکیان ■ ۴- این هم از شهرهای استان فارس است- شهر برج طغرل- سحر باران مغولان- راه ناتمام ■ ۵- همراه آشغال- راهنما- اثر شاتو بریان ■ ۶- از روسای جمهور اسبق امریکا- محکم و استوار- داغ و نشان ■ ۷- ویتامین جدولی- مؤسس سلسله ایلخانیان- فعال ■ ۸- غذایی از سیب زمینی- رگ نازک- قومی که سلسله اشکانی را تشکیل داد ■ ۹- شاخه راست و بلند- تن و بدن- یادداشت ■ ۱۰- مجلس اعیان- مدافع فرانسوی سابق بارسا و فعلی اسپورتینگ لیسبون- زبان کوچک ته حلق ■ ۱۱- سرلشکر فرانسوی- مقابل فراز- طبیعت و عادت ■ ۱۲- حشره جهنده- بخشش- تهوع- ترش و شیرین ■ ۱۳- سعی و کوشش- قسمتی از ترشحات داخلی که به وسیله غدد مترشحه داخلی ترشح می‌شود- گوسفند جنگی ■ ۱۴- مار آذری- کرمینه حشرات- بنفش بسیار روشن ■ ۱۵- حرف شگفتی- رمانی از ارنست همینگوی، نویسنده بزرگ امریکایی

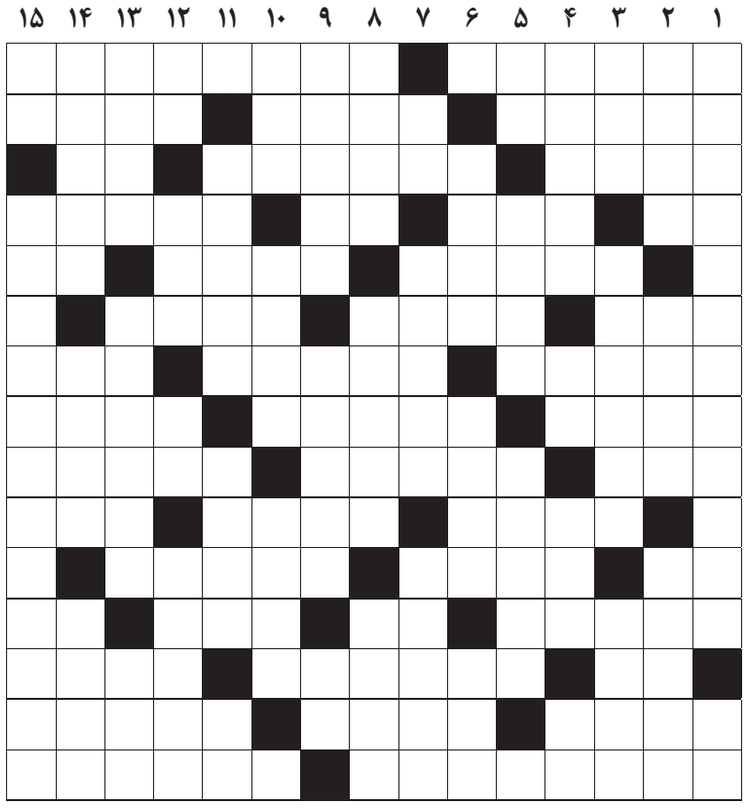

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۷	۶			۱				۳
					۳	۱		۵
	۵	۳		۴				
۸		۵						
			۹		۶			
						۸		۷
						۳		۱
۲		۴			۷			
			۶		۲			

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۵۳۴۸
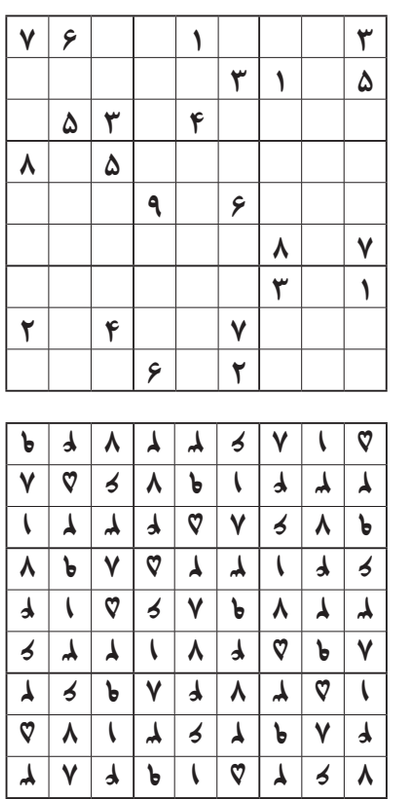
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	ن	ا	ک	و	ن	د	ا	■	م	ق	ا	ی	س	ه
۲	ن	ظ	ا	م	ی	■	ن	ی	ل	■	س	ت	ا	ی	ش
۳	ا	ی	ر	■	ر	ه	■	ن	ا	ب	■	ا	ل	ا	ت
۴	ت	ف	■	د	ا	ن	ش	■	د	و	ش	■	ا	ه	■
۵	■	■	ت	ی	ن	■	ی	س	■	م	ا	م	ن	■	ا
۶	ل	ت	ک	ه	■	چ	ر	ن	گ	■	ر	ث	■	ت	ف
۷	ف	ر	ش	■	خ	م	■	چ	ن	ت	■	ا	ن	ی	س
۸	ر	چ	■	ک	ل	و	پ	■	چ	ن	گ	ل	■	م	ا
۹	ا	م	ا	ر	■	د	ر	ک	■	و	ر	■	ب	و	ر
۱۰	ن	ه	■	س	م	■	ی	ا	و	ر	■	ب	ی	ر	گ
۱۱	س	■	ب	ی	ک	س	■	ر	ف	■	م	ن	غ	■	س
۱۲	■	ک	س	■	ر	ی	ه	■	ا	و	ا	ز	■	پ	ی
۱۳	م	ر	ی	م	■	چ	خ	ل	■	ب	ز	■	ب	ل	خ
۱۴	ر	و	ا	ن	ی	■	ر	ه	ی	■	و	ز	ا	ن	ت
۱۵	ز	ی	ر	و	ب	م	■	ب	ن	د	ر	ل	ن	گ	ه